

Critical Studies in Texts & Programs of Human Sciences,
Institute for Humanities and Cultural Studies (IHCS)
Monthly Journal, Vol. 20, No. 10, Winter 2020, 187-206
Doi: 10.30465/crtls.2020.28465.1661

A Critique of *Educational Skills (Teaching Methods and Techniques)*

Batool Sabzeh*

Abstract

The purpose of this research is to evaluate, criticize, and analyze the book in the field of teaching. The analytical method is used in book evaluation. The first example of the book *Teaching and Learning Skills (Teaching Methods and Techniques)* is the first volume by Hassan Shaabani. The textbook has been studied based on the content and format of academic textbook critique, textbook review, and humanities textbook review. Based on the research findings, this book has some advantages and disadvantages such as the introduction of goals and objectives at the beginning of each chapter, the use of tables and diagrams, the presentation of conceptual models at the beginning of each chapter, students' professional needs, as well as shortcomings and weaknesses such as lacking a persuasive educational model, lack of new scientific findings, inadequate presentation, lack of motivational and critical thinking questions, and repeated disruption of some book topics with other related lessons. The other shortcomings include how to cite, overlooking new sources, adjust abstract, volume, and book cover design which are inappropriate to reduce book productivity and efficiency for the audience.

Keywords: Book Reviews, Teaching Methods and Techniques, Teacher Preparation.

* Assistant Professor of Educational Science, Farhangian University, Department of Educational Science, Tehran, Iran, b.sabzeh@cfu.ac.ir

Date received: 2020-07-18, Date of acceptance: 2020-11-21

Copyright © 2010, IHCS (Institute for Humanities and Cultural Studies). This is an Open Access article. This work is licensed under the Creative Commons Attribution 4.0 International License. To view a copy of this license, visit <http://creativecommons.org/licenses/by/4.0/> or send a letter to Creative Commons, PO Box 1866, Mountain View, CA 94042, USA.

نقد کتاب مهارت‌های آموزشی و پرورشی (روش‌ها و فنون تدریس)

بتول سبزه*

چکیده

هدف این مقاله ارزش‌یابی، نقد، و تحلیل کتابی در حوزه تدریس است. در ارزش‌یابی کتاب از روش تحلیلی استفاده شده است. نمونه بررسی شده کتاب مهارت‌های آموزشی و پرورشی (روش‌ها و فنون تدریس) جلد اول، تألیف حسن شعبانی، است. کتاب مورد مطالعه براساس شاخص‌های ظاهری و محتوایی فرم نقد کتب درسی دانشگاهی، شورای بررسی متون و کتب علوم انسانی مورد بررسی قرار گرفته است. براساس یافته‌های تحقیق، کتاب مدنظر امتیازات و نکات مثبتی دارد، مانند بیان مقدمه و اهداف در ابتدای هر فصل، استفاده از جداول و نمودارها، ارائه مدل مفهومی در ابتدای هر بخش، سلیس و قابل فهم بودن اثر، مرتبط بودن عنوان کتاب با نیازهای حرفه‌ای دانشجو معلمان. هم‌چنین کاستی‌ها و نقاط ضعف آن عبارت است از فاقد الگوی آموزشی اقناع‌کننده، بهره‌نبردن از یافته‌های علمی جدید، عدم تناسب در ارائه مطالب، عدم طرح سؤال‌های مبتنی بر ایجاد انگیزه و تفکر انتقادی، تکرار مخمل برخی از مباحث کتاب با سایر دروس وابسته و کاستی‌هایی در نحوه استناددهی، بهره‌نبردن از منابع جدید، تنظیم چکیده و حجم و طرح جلد نامناسب کتاب.

کلیدواژه‌ها: نقد کتاب، روش‌ها و فنون تدریس، آماده‌سازی معلمان.

* استادیار علوم تربیتی، عضو هیئت علمی دانشگاه فرهنگیان، تهران، ایران (نویسنده مسئول)
b.sabzeh@cfu.ac.ir

تاریخ دریافت: ۱۳۹۹/۰۴/۲۸، تاریخ پذیرش: ۱۳۹۹/۰۹/۰۱

۱. مقدمه

درس «روش‌ها و فنون تدریس» یکی از دروس اصلی رشته‌های علوم تربیتی است که به‌منظور آشنایی دانشجویان این رشته‌ها و همچنین دانشجو معلمان مراکز تربیت معلم با روش‌های عمومی تدریس و فراگیری مهارت‌های معلمی در دوره کارشناسی تدریس می‌شود. هدف عمده درس «روش‌ها و فنون تدریس» آشنایی دانشجویان با اصول عام و خاص تدریس، روش‌های مختلف تدریس، فنون و مهارت‌های تدریس، مدیریت و طراحی فعالیت‌های تدریس، تنظیم و تدوین طرح درس و برنامه‌های درسی سالانه، و غیره است. امروزه دانشگاه فرهنگیان با داشتن ۹۸ پردیس و مرکز آموزشی در سراسر کشور (به‌نقل از وبسایت رسمی دانشگاه فرهنگیان ۱۳۹۸) به‌عنوان اصلی‌ترین متولی تربیت معلمان در رشته‌ها و مقاطع تحصیلی مختلف به‌شمار می‌رود. از جمله دروس اصلی در نظر گرفته‌شده برای آماده‌سازی معلمان در این دانشگاه و سایر دانشگاه‌هایی که رشته‌های علوم تربیتی در آن‌ها دایر است درس «اصول و روش تدریس» است. با توجه به این‌که تدریس یکی از مهم‌ترین وظایف معلمان محسوب می‌شود، نیازمند برنامه‌ریزی، تمرین، کسب مهارت، دانش، و صلاحیت‌هایی است که از طریق منابع درسی مرتبط برای آماده‌سازی دانشجویان حرفه معلمی ارائه می‌شود. لذا ارزش‌یابی کتاب درسی، به‌عنوان یکی از ابزارهای مؤثر در تدریس، از ضروریات این مهم است و انتظار می‌رود کتاب‌های درسی در این حوزه از جمله کتاب روش‌ها و فنون تدریس دانشجویان رشته علوم تربیتی، خصوصاً دانشجو معلمان، را با ابعاد مختلف تدریس و دانش، مهارت، و نگرش‌های لازم مدنظر این حرفه آشنا کند.

۲. بیان مسئله

کتاب درسی یکی از ابزارها و رسانه‌های رسمی در زمینه ارتباط علمی است که به‌رغم گسترش استفاده از وسایل جدید اطلاع‌رسانی نقش مهمی در یادگیری برای همه سطوح دارد. یونسکو (UNESCO 2005) کتاب درسی را ابزار اصلی یادگیری تعریف کرده است که برای دستیابی به مجموعه خاصی از نتایج آموزشی، طراحی متن، تصویر، یا متن همراه با تصویر تشکیل شده است و به‌طور سنتی مجموعه چاپی و مجلدی است که آسان‌سازی توالی فعالیت‌های یادگیری را هدایت و راه‌نمایی می‌کند. در تعاریف جدیدتر، کتاب درسی تنها شامل اطلاعات آموزشی نیست، بلکه دربردارنده اطلاعات و فعالیت‌هایی است که برای دستیابی دانشجو به نتایج یادگیری ضروری است (Khutoroskoi 2006) برخوردار از

بهره‌وری در تألیف کتاب درسی به ارزیابی و به نقد مستمر آن‌ها و تلاش برای ازبین‌بردن کاستی‌های احتمالی نیاز دارد (رضی ۱۳۸۸: ۲۰). در رشته علوم تربیتی یکی از دروس اصلی و تخصصی درس «اصول و روش‌های تدریس» است که به ارزش دو واحد به دانشجویان دوره کارشناسی ارائه می‌شود. برای تأمین منابع این درس، متخصصان این حوزه کتاب‌های درسی متعددی به صورت تألیف یا ترجمه آماده، چاپ، و منتشر کرده‌اند. کتاب مهارت‌های آموزشی و پرورشی (روش‌ها و فنون تدریس) تألیف حسن شعبانی است که اولین بار در سال ۱۳۷۱ در انتشارات سمت (سازمان مطالعه و تدوین کتب علوم انسانی دانشگاه‌ها) منتشر شده و تا سال ۱۳۹۸ سه بار ویرایش شده و ۳۲ بار نیز تجدیدچاپ شده است. در پیش‌گفتار این کتاب ذکر شده است:

در فرایند فعالیت‌های آموزشی، معلمان از عناصر اصلی و کلیدی تحول هستند، بنابراین پرورش معلمان کارآمد و اثربخش که با نظریه‌ها، مبانی، اصول، و روش‌های تعلیم و تربیت آشنا باشند و با بینشی هنرمندانه و اقتضایی محیطی را فراهم نمایند که به جای انتقال اطلاعات و تحمیل اندیشه احساس امنیت، شایستگی، خودکنترلی، خودتجولی را در دانش‌آموزان تقویت کنند تا آن‌ها بتوانند شخصاً معمار تعلیم و تربیت خود باشند (شعبانی ۱۳۹۸: پیش‌گفتار).

بنابراین برای آماده‌سازی دانشجو معلمان در این راستا و کسب مهارت‌های آموزشی و پرورشی‌ای که در عنوان کتاب آمده و در تلاش برای رسیدن به این مهم است، این نوشته بر آن است تا مزایا و کاستی‌های کتاب را در راستای موارد ذکر شده مشخص کند.

۳. هدف مطالعه

نهادینه‌کردن نقد صحیح و سازنده به منزله یک ابزار تقویت و ارتقای کمی و کیفی کتاب تألیفی است. در این راستا، هدف از مطالعه یادشده افزایش آگاهی و شناخت کم‌وکیف شاخص‌های ظاهری و محتوایی کتاب مهارت‌های آموزشی و پرورشی (روش‌ها و فنون تدریس) تألیف حسن شعبانی است.

۴. روش بررسی

مطالعه حاضر به روش تحلیلی صورت گرفته است. نمونه موردبررسی کتاب مهارت‌های آموزشی و پرورشی (روش‌ها و فنون تدریس) جلد اول، تألیف دکتر حسن شعبانی، است

که انتشارات سمت آن را به چاپ رسانده است. در این مطالعه، همه فصول جلد اول کتاب مورد بررسی و تحلیل قرار گرفته است. کتاب مورد مطالعه براساس شاخص‌های ظاهری و محتوایی فرم نقد کتب درسی دانشگاهی، شورای بررسی متون و کتب علوم انسانی مورد بررسی قرار گرفته است.

۵. معرفی کتاب

این کتاب اولین بار در سال ۱۳۷۱ در انتشارات سمت چاپ شد. سپس از سال ۱۳۸۲ به صورت دوجلدی منتشر شد. جلد اول تحت عنوان *مهارت‌های آموزشی و پرورشی (روش‌ها و فنون تدریس)* و جلد دوم تحت عنوان *مهارت‌های آموزشی و پرورشی (نظریه‌ها و الگوهای تدریس)* چاپ شده است. جلد اول کتاب در این مطالعه بررسی می‌شود. جلد اول کتاب یادشده تا تابستان ۱۳۹۸ سه بار ویراسته و تجدیدنظر شد و سی‌ودو بار به چاپ رسید. آخرین نسخه کتاب (چاپ تابستان ۱۳۹۸) ۴۷۶ صفحه دارد که در سه بخش و یازده فصل به چاپ رسیده است. نویسنده مطالب کتاب را به سه بخش تقسیم کرده است. بخش اول کتاب، تحت عنوان مبانی نظری تدریس - یادگیری، مشتمل بر سه فصل و حدود ۱۴۰ صفحه است؛ نویسنده در فصل اول به مبانی نظری یادگیری، در فصل دوم به مبانی نظری تدریس، و در فصل سوم به ارتباط و نقش آن در فرایند آموزش پرداخته است. بخش دوم کتاب، تحت عنوان «مدیریت و طراحی فعالیت‌های آموزشی»، شامل چهار فصل و در حدود ۱۳۰ صفحه است که مؤلف در فصل چهارم درباره مدیریت کلاس درس، در فصل پنجم درباره هدف‌های آموزشی و منابع تعیین آن‌ها، در فصل ششم درباره طراحی آموزشی و مراحل تحلیل و تنظیم آن، و در فصل هفتم، درباره روش تنظیم برنامه‌های درسی ترمی و روزانه سخن رانده است. بخش سوم کتاب تحت عنوان «اجرای فعالیت‌های آموزشی (روش‌ها و فنون تدریس)» در قالب چهار فصل و در حدود ۱۸۰ صفحه است که فصل هشتم به روش‌های تدریس مبتنی بر انتقال مستقیم، فصل نهم به روش‌های تدریس مبتنی بر تعامل، و فصل دهم به روش‌های تدریس مسئله‌محور، و فصل یازدهم به روش‌های آموزش انفرادی پرداخته است.

۶. تحلیل کتاب

در این قسمت، ابتدا امتیازات و نقاط قوت کتاب و سپس کاستی‌ها و نقاط ضعف آن به لحاظ ساختار ظاهری و محتوایی بیان شده است.

۱.۶ امتیازات و نقاط قوت کتاب به لحاظ ظاهری

باتوجه به این که کتاب درسی از ابزار کار دانشجویان است و دانشجویان حداقل یک ترم با آن سروکار دارند، جذابیت ظاهری کتاب نقش مهمی در برانگیزانندگی دانشجویان و درنهایت یادگیری بیش تر آنان ایفا می کند. بنابراین، توجه به ویژگی‌های ظاهری کتاب از طرف ناشر و مؤلف اهمیت زیادی دارد. در ادامه به برخی از نقاط قوت این کتاب به لحاظ ظاهری پرداخته شده است.

۱.۱.۶ بیان مقدمه و اهداف در ابتدای هر فصل

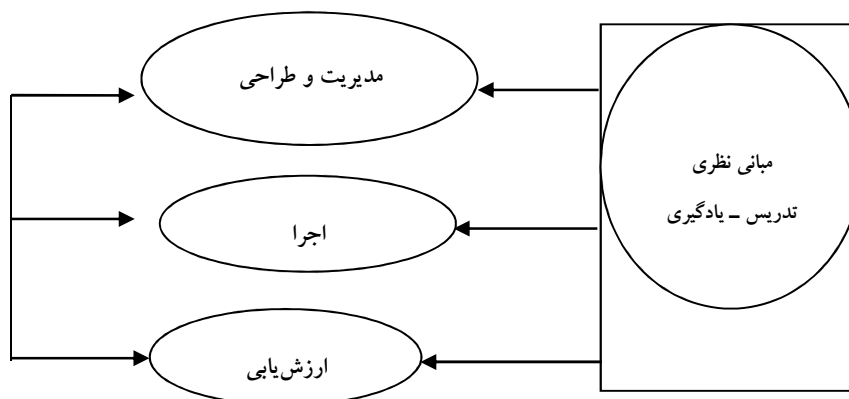
بیان مقدمه در ابتدای هر فصل باعث آشنایی دانشجو با مطالب فصل و برانگیختن انگیزه مطالعه در آنان می شود. آنچه در این کتاب رعایت شده و ارزش مند است بیان مقدمه در ابتدای هر فصل و سپس بیان اهداف آن فصل است.

۲.۱.۶ استفاده از جدول‌ها و نمودارها

استفاده از جداول در فصول مختلف کتاب یکی از نقاط قوت این کتاب است. برای مثال، در فصل هفتم که درباره تنظیم برنامه‌های درسی صحبت شده است، ارائه نمونه‌هایی از طرح درس روزانه (بنگرید به شعبانی ۱۳۹۸: ۲۶۱-۲۶۸) برای خوانندگان بسیار راه گشا و مفید است.

۳.۱.۶ ارائه مدل مفهومی در ابتدای هر بخش

مدل مفهومی (conceptual model) آینه‌ای تمام‌نما از اجزای اصلی و عمده یک پدیده است که روابط اصلی اجزا و آثار آنها را نشان می دهد. به عبارت دیگر، مدل‌ها مخلصی از واقعیات و روابط اصلی بین اجزای پدیده‌ها هستند و نمایی کلی از واقعیت را نشان می دهند (الوانی ۱۳۷۹: ۴۵). مزیت این کتاب نیز ارائه مدل مفهومی در قالب نمودار است. کتاب حاضر در سه بخش تنظیم شده است. بخش اول: مبانی نظری تدریس و یادگیری، بخش دوم: مدیریت و طراحی فعالیت‌های آموزشی، و بخش سوم: اجرای فعالیت‌های آموزشی است که مدل مفهومی در قالب یک نمودار (همان‌طور که در ادامه آورده شده است) در ابتدای هر بخش از کتاب جهت روشن کردن روابط بین بخش‌های کتاب و محتوای هر یک از آنها آورده شده است. ارائه مدل می تواند دیدی شفاف و روشن برای خوانندگان ایجاد کند و آنها را در کشف روابط بین نظریه‌های یادگیری و تدریس و سازمان‌دهی و اجرای فعالیت‌های آموزشی یاری کند. نمودار ۱ مدل مفهومی (conceptual model) است.



نمودار ۱. فرایند تدریس، مهارت‌های آموزشی و پرورشی

۴.۱.۶ سلیس و قابل فهم بودن اثر

یکی از نقاط قوت کتاب حاضر برخورداری از متنی سلیس و روان است. این ویژگی سبب می‌شود که خوانندگان موضوع را راحت بفهمند.

۲.۶ امتیازات و نقاط قوت کتاب به لحاظ محتوایی

۱.۲.۶ تناسب عنوان کتاب با نیازهای حرفه‌ای مخاطبان

یکی از نیازهای اصلی دانشجویان علوم تربیتی و دانشجومعلم‌ان آشنایی آن‌ها با روش‌ها و فنون تدریس است. استفاده از راه‌بردها و شیوه‌های مناسب تدریس توسط معلمان یکی از عناصر مهم در اثربخشی آموزشی است (استرانگ ۲۰۰۷). علاوه بر این معلمان به مهارت‌هایی نظیر برنامه‌ریزی، طراحی هدف‌ها و فعالیت‌های آموزشی (Danielson 2007)، توانایی استفاده از ارتباط کلامی برای انتقال مفاهیم به دانش‌آموزان (Anderson 2004)، مهارت مدیریت کلاس درس، و غیره نیاز دارند. این کتاب با دربرداشتن عناوینی نظیر ارتباط و نقش آن در فرایند آموزش (فصل سوم)، مدیریت کلاس درس (فصل چهارم)، روش تنظیم برنامه‌های درسی ترمی و روزانه (فصل هفتم)، و معرفی روش‌های تدریس مختلف برای اجرای فعالیت‌های آموزشی در بخش سوم کتاب به مباحث مورد نیاز معلمان اشاره کرده است. البته، در صورتی این اثر می‌تواند منبع مفیدی در راستای مرتفع کردن نیازهای دانشجویان و دانشجومعلم‌ان باشد که علاوه بر عنوان، محتوای هر بخش از کتاب نیز براساس نیاز دانشجومعلم‌ان به روزرسانی و اصلاح شود.

۳.۶ کاستی‌ها و نقاط ضعف کتاب به‌لحاظ ظاهری

۱.۳.۶ طرح جلد

از آن‌جاکه طرح روی جلد کتاب آینه‌ای از درون کتاب است، شایسته است در طراحی جلد از تصاویر، رنگ‌ها، و عناصری استفاده شود که بتواند پیام و محتوای کتاب را به‌خوبی به مخاطبان کتاب انتقال دهد. طرح روی جلد کتاب یادشده تصویر کودکی را نشان می‌دهد که به‌لحاظ ظاهری دارای موهایی کاملاً روشن است و پشت میزی نشسته است و با در دست داشتن مدادی زردرنگ که بر روی صفحه‌انتهایی یک دفتر قرار دارد با حالتی ناشناخته به دور دست خیره شده است. شاید توجه به چند نکته در تصویر جلد این کتاب خالی از لطف نباشد. با توجه به این‌که قریب به اتفاق کودکان ایران از رنگ مویی تیره (قهوه‌ای و سیاه) برخوردارند، توجه به این نکته در انتخاب تصویر روی جلد یک کتاب درسی می‌تواند به‌نوعی ارزش‌گذاری و بهادادن به نژاد و فرهنگ ملی باشد. در تأیید این نکته هم چنین توجه به موقعیت دفتر (بازبودن از سمت چپ) و کارت‌های حروف انگلیسی که پیش‌روی کودک قرار گرفته قابل توجه است. شایسته است در انتخاب تصویر روی جلد در راستای محتوای کتاب تجدیدنظر شود.

۲.۳.۶ حجم کتاب

یکی از مواردی که در ارزیابی ظاهری کتاب درسی در نگاه اول به چشم می‌خورد حجم کتاب است. این کتاب به‌لحاظ حجم متعارف نیست. هم‌چنان‌که در صفحه‌اول سخن ناشر ذکر شده است، این کتاب «برای دانشجویان رشته‌های علوم تربیتی و رشته‌های دبیری در مقطع کارشناسی تدوین شده است»، که اغلب به‌ارزش دو واحد است. طبق عرف، برای هر واحد درسی، میانگین حدود یک‌صد صفحه مناسب است (رضی ۱۳۸۸: ۲۲). در صورتی‌که کتاب حاضر در آخرین چاپ خود نزدیک به پانصد صفحه است. حجم زیاد کتاب می‌تواند اهداف آموزشی کتاب را تحت‌الشعاع قرار دهد و توجه خواننده را از مطالب اصلی دور کند. نکته قابل توجه در این خصوص آن است که حجم کتاب موردنظر به‌مرور افزایش یافته است و پس از هر بار بازنگری طولانی‌تر، ضخیم‌تر، و حجیم‌تر شده است. در این صورت، دانشجویان مجبورند پول بیش‌تری برای خرید این کتاب پردازند، در حالی‌که امیدی نیست طی یک نیم‌سال تحصیلی آن را به‌پایان برسانند و بنابر اجبار بعضی از فصل‌ها برای دوره تحصیلی انتخاب و بقیه حذف می‌شوند. افزایش حجم کتاب، در نتیجه اضافه‌کردن مداوم

مطلب جدید، بدون حذف کردن مطالب قدیمی است که شایسته است در بازنگری‌های آتی به این نکته عنایت شود.

۳.۳.۶ خلاصه فصول

چکیده یا خلاصه‌نویسی به معنای تشخیص جوهری یک متن و ارائه آن به صورت مختصر همراه با صحت و وضوح کافی است (نجیبی ۱۳۸۲: ۴۳). در نگارش چکیده یا خلاصه فصل کتاب درسی، علاوه بر توجه به وضوح و روشنی، رعایت اصولی از قبیل خبری بودن جملات، کامل بودن جملات، انسجام و هماهنگی، پرهیز از تکرار، ساده و روان‌نویسی، گزیده‌نویسی، کوتاه‌نویسی، و غیره از اهمیت زیادی برخوردار است (همان: ۴۵). در کتاب یادشده، خلاصه برخی فصول (برای مثال، خلاصه فصل هفتم) بسیار کوتاه و در حد نیم‌صفحه (ده سطر) است و خلاصه برخی فصول (برای مثال، فصول هشتم و نهم) بسیار طولانی و بیش از سه صفحه (بیش از هشتاد سطر) است که نشان‌دهنده عدم گزیده‌نویسی است. در برخی از خلاصه فصول، از جملات کامل خبری استفاده نشده است. برای مثال، در خلاصه فصل نهم چنین آمده است: «مراحل اجرا در شیوه دوم عبارت است از توصیف مسئله، قیاس مستقیم، قیاس شخصی، تعارض فشرده، قیاس مستقیم، و بررسی مجدد تکلیف» (شعبانی ۱۳۹۸: ۳۷۸). در برخی فصول (همانند خلاصه فصل دوم) خلاصه و کوتاه‌نویسی به درستی انجام نشده است.

۴.۶ کاستی‌ها و نقاط ضعف کتاب به لحاظ محتوایی

۱.۴.۶ فاقد الگوی آموزشی اقناع‌کننده

پیروی از الگو یا الگوهای آموزشی در ارائه محتوای برنامه درسی یا کتاب درسی باعث افزایش اعتبار آموزشی آن می‌شود. در دروس دانشگاهی، الگوهایی به کار می‌روند که امکان گفت‌وگو و مباحثه را بین استاد و دانشجویان فراهم می‌کنند و به فهم اقناعی موضوعات منجر می‌شوند؛ به طوری که زمینه‌های تحقیق و پژوهش را برای توسعه دانش یادگیرنده فراهم و ارتباط او را با مراکز و منابع یادگیری داخل و خارج فضای آموزشی برقرار می‌سازند (ملکی ۱۳۸۵: ۱۶). آنچه در این کتاب در قالب محتوا ارائه شده است، جنبه علمی بودن را رعایت کرده است و به نوعی اعتبار علمی دارد، اما علمی بودن یک متن لزوماً با آموزشی بودن آن همراه نیست. برای تأیید این ادعا، می‌توان به بخش سوم کتاب اشاره کرد که به انواع

روش‌های تدریس پرداخته است. در این بخش از کتاب، نویسنده در قالب فصل‌هایی مجزا به معرفی و توضیح هر یک از روش‌های تدریس پرداخته است و مزایا و محدودیت‌های هر یک از آن‌ها را ذکر کرده است. با وجود این که جنبه علمی بودن مطالب رعایت شده است، آنچه از نظر دور مانده این است که در معرفی این روش‌ها از الگوی آموزشی‌ای که موجب درگیر کردن مخاطبان و زمینه‌های تحقیق یا عملیاتی کردن آن‌ها در موقعیت‌های آزمایشی یا واقعی باشد بهره گرفته نشده است. در واقع، آنچه از این بخش کتاب عاید مخاطبان می‌شود فقط اطلاعات و مطالبی است که باید در قالب محفوظات به ذهن سپرده شوند.

۲.۴.۶ عدم برخورداری از یافته‌های علمی جدید

کتاب درسی مجموعه‌ای از دانش بشری را با خود دارد که باید با یافته‌های علمی جدید هم‌سو و هماهنگ باشد. حفظ اعتبار مطالب در شرایط کنونی که میزان تغییر و تحول علمی بسیار بالاست کار آسانی نیست. با وجود این، یکی از ملاک‌های اعتبار کتاب درسی دانشگاهی برخورداری از یافته‌های جدید علمی است که متأسفانه در این کتاب، با وجود ویرایش و تجدید چاپ‌های مکرر، چندان توجهی به آن نشده است. در اثبات این ادعا به دو مورد از مصادیق بسنده شده است.

در فصل دوم کتاب تحت عنوان «مبانی نظری تدریس» در ذیل نظریه‌های تدریس صفحه ۷۴ کتاب چنین آمده است:

در طول چند دهه اخیر، نظریه‌های نسبتاً قابل توجهی در زمینه تدریس ارائه شده است. از جمله این نظریه‌ها می‌توان به نظریه تینسون (۱۹۸۰) درباره مفهوم تدریس، نظریه اسکاندورا (۱۹۷۷) درباره ساخت تدریس، نظریه لاند (۱۹۷۶)، و برخی افراد دیگر درباره چگونگی تدریس و نظریه کیس (۱۹۷۸) درباره تدریس کودکان پیش‌دبستانی و کودکانها اشاره کرد (شعبانی ۱۳۹۸: ۷۴).

همان‌طور که ملاحظه می‌شود، نظریه‌های نام‌برده شده، همگی، مربوط به دهه هفتاد میلادی هستند و هیچ نظریه جدیدی که مربوط به سال‌های اخیر باشد ذکر نشده است. کم‌این که هیچ‌کدام از نظریه‌های نام‌برده شده توضیح داده نشده‌اند و فقط به ذکر این جمله که «کلیه نظریه‌های تدریس به نوعی با یکدیگر متفاوت هستند» بسنده شده است.

هم‌چنین، در فصل چهارم کتاب تحت عنوان «مدیریت کلاس درس» نویسنده در ابتدای فصل با مطرح کردن کلاس درس مانند یک سیستم اجتماعی به ارائه دو تعریف از مدیریت کلاس از منظر ویلیامز و همکارانش (Williams et al. 2000) و رویکرد پست‌نیوتنی در قالب

چند خط پرداخته است و سپس در کل فصل با الهام از رویکرد رفتارگرایان به توضیح و تشریح برنامه‌ریزی، مدیریت، و انضباط کلاس درس به روش‌های محروم‌کردن، تقویت، تنبیه، و غیره پرداخته است. از جمله اشکالات وارد بر مباحث فصل حاضر این است که نویسنده با جهت‌گیری آشکاری و تنها با پیروی از یک رویکرد (رفتارگرایان) به ارائه راه‌بردهای مقابله با رفتارهای نامطلوب دانش‌آموزان در کلاس پرداخته است. برای مثال در فصل دوم، ذیل عنوان «راه‌بردهایی برای مقابله با رفتارهای بسیار نامطلوب» دو راه‌برد محروم‌کردن از تقویت و حذف رفتار نامطلوب ناسازگار ذکر شده است و بعد از دو صفحه توضیح درباره این دو راه‌برد چنین آمده است:

... اگر تمام این تلاش‌ها رفتار نامطلوب را کاهش نداد و فرصت اجرای یک تدریس مؤثر را از معلم گرفت چه تصمیمی باید گرفته شود؟... بعضی از صاحب‌نظران معتقدند در چنین مواردی که فعالیت‌های آموزشی سایر دانش‌آموزان دچار اختلال می‌شود می‌توان به تنبیه متوسل شد. البته، در صورتی که تنبیه ضروری به‌نظر رسد و از نظر اخلاقی قابل توجیه باشد. تنبیه می‌تواند به اشکال مختلف انجام شود: الف) توبیخ ملایم؛ ب) تنبیه همراه با تشویق؛ ج) انزوای اجتماعی؛ و د) جریمه‌کردن یا کم‌کردن امتیاز (الیری و الیری ۱۹۷۷: ۱۱۱). توبیخ ملایم که موجب دل‌واپسی دانش‌آموز شود، اغلب اثربخش‌تر از تنبیهی است که در جمع انجام و سایر دانش‌آموزان مطلع شوند... توجه منفی می‌تواند شامل موارد ذیل باشد: الف) اخم‌کردن همراه با بیان کلمات، تن صدای بلند و اشاره‌هایی است که مشخص کند دانش‌آموزی در حال انجام رفتار نامطلوب است. ب) نزدیک‌شدن به دانش‌آموزی که دارای رفتار نامطلوب است. ج) واکنش سریع منفی از جایگاه معلم (شعبانی ۱۳۹۸: ۱۵۵).

امروزه با گسترش نظریات و دیدگاه‌های جدید درباره مدیریت کلاس و نحوه برقراری ارتباط مؤثر بین معلم و دانش‌آموزان، به‌کارگیری راه‌بردهای تشویقی و تنبیهی در شکل‌دهی و اصلاح رفتارهای دانش‌آموزان تا حد زیادی مورد تردید جدی قرار گرفته است. نظریات و دیدگاه جدیدی که نقش راه‌برانه را جای‌گزین نقش رئیس‌مآبانه معلمان در کلاس‌های درس کرده‌اند (گلسر ۱۹۸۰) و فلسفه تازه‌ای برای روابط انسانی و برقراری فرهنگ تفاهم در کلاس درس (گوردن ۱۹۸۹) ارائه کرده‌اند. لذا شایسته است به‌جای پرداختن به یک دیدگاه ابتدا راه‌بردهای مختلف برای مدیریت کلاس از دیدگاه‌های مختلف، به‌خصوص دیدگاه‌های جدید و اثربخش، به مطالب کتاب افزوده شود و فرصت و موقعیت بحث، بررسی، و انتخاب در اختیار مخاطبان کتاب نیز قرار گیرد.

۳.۴.۶ عدم تناسب در ارائه مطالب (اطناب و ایجاز بیش از حد در برخی موارد)

اطناب و ایجاز به خودی خود امری ناپسند نیست و اگر در جای خود رعایت شود، مزیت است. اما به نظر می‌آید در این کتاب در برخی موارد اطناب و ایجاز آزاردهنده پیش آمده است. اگر بخواهیم نمونه‌ای از اطناب مطلب را ذکر کنیم می‌توان به فصل نهم، مبحث «روش یادگیری مشارکتی»، اشاره کرد که در آن مؤلف بیش از شانزده صفحه درباره این روش توضیح داده است. اصولاً اطناب زمانی پیش می‌آید که نویسنده از توانایی خویش در ارتباط با متن نوشتاری مطمئن نیست و برای ارائه اطلاعات یا نکات مدنظر خود به استفاده از واژه‌ها و توضیحات اضافی گرایش می‌یابد (لیپونکا ۱۳۹۱: ۱۱۲). این کاستی در جاهای مختلف کتاب مشاهده می‌شود که برای اثبات این ادعا فقط به یک قسمت از مبحث «روش یادگیری مشارکتی» بسنده می‌شود:

کودکان با مشاهده و تقلید از رفتار دیگران یاد می‌گیرند و در جریان مشاهده و تقلید کشف می‌کنند که چگونه به طور هدفمند حرکت و به طور قابل فهم صحبت کنند تا به هدف‌های خود انتخاب شده برسند. آنان از خود و دیگران می‌آموزند. آنان در خلال بازی‌هایشان با خود صحبت می‌کنند و یاد می‌گیرند که چگونه فکر کنند و چه انجام دهند. با افزایش سن توانایی شنیدن آن‌ها نیز افزایش می‌یابد، چنان‌که اندیشه‌های خود را با صدای بلند می‌شنوند و یادگیری‌شان با تکیه بر بیان به صورت اکتشاف، تسلط‌یابی، و تصورات استمرار می‌یابد (شعبانی ۱۳۹۸: ۳۴۸).

هم‌چنان‌که مشاهده می‌شود، در این پاراگراف، تکرار غیرضروری واژه‌ها برای انتقال اطلاعات و احساسات باعث افزایش متن شده است که می‌توان آن را با واژه‌های کم‌تر بازنویسی کرد و متن را طوری ارائه کرد که منظور نویسنده حفظ شود و کیفیت آن بهبود یابد.

در برخی از قسمت‌های کتاب نیز ایجاز بیش از حد قابل مشاهده است. برای مثال، در فصل دهم کتاب، نویسنده به معرفی روش واحد محور و انواع آن پرداخته است. کل روش واحد محور در یک صفحه توضیح داده شده است و در توضیح انواع روش‌های واحد محور فقط به توضیح چندخطی اکتفا شده است. برای مثال، ذیل عنوان «روش تدریس موضوع محور» مطالب زیر بیان شده است:

در این روش، موضوعات مورد مطالعه به صورت واحدهای بزرگ مطالعه می‌شوند. در این روش، ارتباط موضوعات و رشته‌های مختلف معمولاً افقی است؛ مثلاً در واحد

«دوره فرهنگی» ممکن است هنر، ادبیات، مذهب، و شرایط اجتماعی جامع، معینی در یک دوره معین موضوع درس و مطالعه قرار گیرد و یا می‌توان درس ریاضی، فیزیک، و شیمی را با انتخاب موضوع 'ماشین دیزل' به صورت افقی با یکدیگر مربوط ساخت (همان: ۴۰۹).

یا در توضیح روش تدریس پروژه محور چنین آمده است:

روش تدریس پروژه محور: کلمه پروژه برای اولین بار در سال ۱۹۰۰ در بخش کارهای دستی دانشگاه کلمبیا به کار برده شد و مفهوم آن در نزد عموم عبارت بود از یک مسئله وسیع و مهم که جنبه عملی دارد و دانش آموزان بدان علاقه مندند، ولی بعدها به موضوع هدف و الهامات دانش آموز بیش از جنبه عملی آن تأکید شد. بنابراین، پروژه به مفهوم کلاسی از الهامات دانش آموز سرچشمه می‌گیرد و باعث ازدیاد علاقه او می‌شود. این روش در موقعیت‌های طبیعی ارزش تربیتی دارد و جنبه تجربی آن زیاد است و از آنجاکه در این روش - به‌ویژه پروژه انفرادی - تقسیمات تصنعی دروس و ارتباط غیرمنطقی آن‌ها از میان می‌رود، مؤثرترین راه برای یادگیری عمیق و پایدار است (همان: ۴۱۵).

هم‌چنان‌که ملاحظه می‌شود، این روش‌ها فقط در چند خط به صورت کلی معرفی شده است، درحالی‌که به سبب اهمیت این روش‌ها و ضرورت آشنایی دانشجویان خصوصاً دانشجو معلمان با آن‌ها می‌بایست به صورت گسترده‌تر و با توضیحاتی بیش‌تر ارائه می‌شد. این شیوه بیان، اختصار و کلی‌گویی، نتیجه‌ای جز عدم بیان حق مطلب و سردرگمی برای خوانندگان به هم راه ندارد. علاوه بر این، به سبب این‌که نمونه یا مثال عملی ارائه و توضیح داده نشده است، باعث عدم فهم مناسب، صحیح، و عمیق هریک از روش‌ها می‌شود. این درحالی است که در همین بخش از کتاب، نویسنده در توضیح روش‌های سنتی، نظیر سخن‌رانی‌ای که دانشجویان با آن آشنایی نسبی دارند، نوزده صفحه به آن اختصاص داده است یا در توضیح روش تدریس مشارکتی، هم‌چنان‌که در سطور بالا اشاره شد، هجده صفحه اختصاص داده است، بدون آن‌که نمونه‌های عملی برای فهم بهتر آن‌ها ذکر کند.

هم‌چنین، در اثبات عدم تناسب مطالب کتاب می‌توان برای مثال به فصل اول کتاب نیز اشاره کرد که به «مبانی نظری تدریس» پرداخته است. نویسنده در این فصل با معرفی انواع یادگیری به توضیح دو دسته اصلی از نظریه‌های یادگیری پرداخته بدون این‌که تناسب ارائه مطلب را رعایت کرده باشد. مبحث یادگیری از طریق شرطی شدن را در حدود بیست صفحه بیان کرده است و مبحث یادگیری از طریق شناخت را در چهار صفحه بیان کرده است. این درحالی است که خود نویسنده اذعان کرده است:

نقد کتاب مهارت‌های آموزشی و پرورشی (روش‌ها و فنون تدریس) (بتول سبزه) ۲۰۱

در فرایند یادگیری انسان، یادگیری از طریق شناخت و بینش از اهمیت خاصی برخوردار است؛ زیرا انسان براساس بینش و تفکر روابط علمی اشیا و پدیده‌ها را کشف می‌کند. بنابراین، وظیفه نظام‌های آموزشی ایجاد شرایط مطلوب برای پرورش تفکر خواهد بود (همان: ۵۶).

۴.۴.۶ تکرار مخل برخی از مباحث کتاب با سایر دروس وابسته

محتوای کتاب درسی باید طوری باشد که امکان ارتباط با سایر دروس وابسته و واحدهای درسی مرتبط را برای دانشجو فراهم کند (رضی ۱۳۸۸: ۲۳). از جمله دروسی که با درس روش‌ها و فنون تدریس ارتباط دارند می‌توان به روان‌شناسی تربیتی، برنامه‌ریزی درسی، و طراحی آموزشی اشاره کرد. علی‌رغم تلاش نویسنده در برقراری ارتباط بین دروس ذکر شده در فصول اول و دوم با گنجانیدن مطالبی درخصوص مبانی نظری یادگیری و تدریس، در فصل پنجم و ششم با ذکر هدف‌های آموزشی، منابع تعیین آن‌ها، و مراحل تحلیل و تنظیم طراحی آموزشی قادر به پردازش منطقی بین موضوعات و دروس نشده است و به‌نوعی تکرار مخل صورت گرفته است. برای مثال، شایسته است به‌جای ذکر مبانی نظری یادگیری و تدریس در فصول اول و دوم که به‌نوعی فقط یادآوری سوگیرانه و ناقصی از دو یا چند نظریه است، جهت برقراری ارتباط بین درس روان‌شناسی و نظریه‌های یادگیری با روش‌ها و فنون تدریس، به‌جای تکرار مخل برخی مطالب، به کاربرد و تفاوت کارکرد آن‌ها در مباحث اصلی کتاب از قبیل مدیریت کلاس، طراحی، و برنامه‌ریزی دروس و روش‌های تدریس پرداخته شود.

۵.۴.۶ عدم طرح سؤال‌های مبتنی بر ایجاد انگیزه و تفکر انتقادی

اصولاً طرح سؤالات برای تعمیق یادگیری استفاده می‌شود. پرسش مناسب، علاوه بر کمک به فهم و درک بهتر مطالب، خواننده را به انجام فعالیت‌های یادگیری سوق می‌دهد (آرمند و ملکی ۱۳۹۶: ۱۴۷). مطرح کردن سؤال‌ها باید حس کنج‌کاوی، کاوش‌گری، و تفکر انتقادی دانشجویان را برانگیزد (مایرز ۱۳۷۴). در کتاب یادشده، پایان هر فصل قسمتی با عنوان «خود را بیازمایید» در نظر گرفته شده است. با وجود این که طراحی پرسش‌ها در پایان هر فصل نشانه قوت یک کتاب درسی است، پرسش‌هایی که در پایان هر فصل کتاب مطرح شده است، بسیار کلی و اکثر آن‌ها ناظر به رئوس مطالب و در راستای حافظه‌آزمایی طرح شده است. برای مثال، چند نمونه از سؤالات اول فصول یک تا پنج آمده است:

فصل اول: یادگیری را در یک یا دو سطر تعریف کنید؛ عوامل مؤثر بر یادگیری را نام ببرید (شعبانی ۱۳۸۹: ۵۷).

فصل دوم: تدریس را در دو سطر تعریف کنید و مفاهیم موجود در آن را تحلیل کنید (همان: ۱۰۲).

فصل سوم: ارتباط را در چند جمله تعریف کنید و مفاهیم موجود در آن را تحلیل نمایید (همان: ۱۳۸).

فصل چهارم: انواع فعالیت‌های آموزشی در کلاس درس را در نیم‌صفحه توضیح دهید (همان: ۱۷۵).

فصل پنجم: پس از مقایسه تعاریف مختلف اهداف، با ذکر دلایل بهترین تعریف را انتخاب کنید (همان: ۱۹۹).

لذا، کتاب درسی دانشگاهی نباید فقط وسیله‌ای برای انتقال دانش به خوانندگان باشد، بلکه باید مطالب آن بتواند سؤال‌های جدیدی در ذهن دانشجویان ایجاد کند و افق‌های تازه‌ای پیش‌روی آنان بگشاید (رضی ۱۳۸۸: ۲۳).

۶.۴.۶ کاستی در نحوه استناددهی و بهره‌بردن از منابع

در کتاب یادشده، موارد زیادی مبنی بر ارائه مطالب و نتایج پژوهش‌ها مشاهده می‌شود، بدون این‌که منابع آن‌ها ذکر شده باشد. در ادامه، به چند نمونه مطلب بدون ذکر سند و منبع اشاره شده است.

«در پژوهشی از معلمان جدید خواسته شد که کنش متقابل معلمان باسابقه و دانش‌آموزانشان را در کلاس درس مشاهده و نتایج مشاهدات خود را در جدول زیر ثبت نمایند...» (شعبانی ۱۳۹۸: ۱۶۴). همان‌طور که ملاحظه می‌شود، مشخص نیست چه کسی و در چه سالی پژوهش موردنظر را انجام داده است.

در جای دیگری از کتاب چنین آمده است:

«رفتارگرایان متعصب معتقدند که هدف‌های آموزشی عینی حتماً باید دارای سه ویژگی یادشده باشند، اما بسیاری از صاحب‌نظران با تدوین چنین اهدافی در فرایند آموزش مخالف‌اند...» (همان: ۲۰۸). همان‌طور که مشاهده می‌شود در این‌جا نیز نام هیچ صاحب‌نظری ذکر نشده است و به منبع موثقی استناد نشده است.

«روش نمایش علمی معمولاً برای آموزش مهارت‌های روانی و حرکتی که بتوان با شیوه گام‌به‌گام فعالیت‌ها را دنبال کرد به کار می‌رود (همان: ۳۰۸، بدون ذکر منبع علمی)... اکثر

نقد کتاب مهارت‌های آموزشی و پرورشی (روش‌ها و فنون تدریس) (بتول سبزه) ۲۰۳

معلمان در دادن نمره دقیق به آزمون عملکرد مشکل دارند (همان: ۳۰۹، بدون ذکر مستندات تحقیقی)».

علاوه بر موارد ذکر شده، در سراسر کتاب، جملات تحکمی فراوانی مشاهده می‌شود که در آن‌ها از کلمه «باید» استفاده شده است، بدون این‌که آن جمله بنیاد علمی معتبری داشته باشد. برای مثال، نمونه زیر قابل بررسی است:

معلم که معمولاً وظیفه رهبری گروه را برعهده دارد، باید قبل از شروع بحث فعالیت‌های زیر را انجام دهد: تدارکات لازم از قبیل محل تشکیل بحث گروهی، مواد و تجهیزات لازم، و آرایش هندسی نشستن را فراهم کرده و در صورت لزوم فرد مطلعی را برای شرکت در بحث دعوت کند؛ پیرامون موضوع مورد بحث مطالعه و نکات اصلی مطالعات خود را یادداشت نماید؛ سؤالاتی را که برای شروع و ادامه بحث لازم است تهیه و تنظیم نماید؛ وظایف و مسئولیت‌های سایر اعضای گروه را معین سازد؛ منابع مورد لزوم در زمینه بحث را شناسایی کند... (همان: ۳۴۴).

در ادامه همین مبحث نیز، این چنین بیان شده‌اند: «کار معلم باید بیش‌تر پی‌گیری، تجزیه و تحلیل، و ارزیابی بحث باشد نه مشارکت در بحث» (همان: ۳۴۵).

باتوجه به این‌که در ابتدای جمله نقش رهبری گروه برای معلم در نظر گرفته شده است، سایر فعالیت‌های فهرست شده با این نقش منافات دارند. این درحالی است که تمامی جملات تحکمی و بایندی هستند، بدون این‌که مستندات علمی ذکر شده باشد.

همان‌طور که سطور بالا درباره استفاده نکردن از منابع جدید اشاره شده است، نتایج بررسی منابع درون‌متنی و پایانی به‌کاررفته در این کتاب نشان می‌دهد که هیچ منبع جدیدی که مربوط به ده سال اخیر باشد مورد استفاده قرار نگرفته است و تمامی منابع در قسمت لاتین مربوط به سال‌های قبل از ۲۰۰۰ میلادی و در قسمت منابع فارسی مربوط به دهه‌های چهل تا هفتاد شمسی است که شایسته است به‌صورت جدی به این مهم توجه شود.

۷. نتیجه‌گیری

در تألیف و تدوین کتاب درسی باید شاخص‌های متنوع ظاهری، نگارشی، محتوایی، و غیره رعایت شود. اصولاً متن و محتوای کتاب درسی حاصل برخورداری از جمیع معیارهای دقیق کارشناسی شده و منطبق بر دستاوردهای نوین علمی است تا موجبات یادگیری مطلوب را تسهیل کند. نتایج بررسی کتاب نشان می‌دهد که، علی‌رغم چاپ‌های

مختلف، این کتاب به روزرسانی نشده است. محتوای کتاب انتظار خواننده را مبنی بر ارائه مهارت‌های آموزشی و پرورشی که در عنوان کتاب ذکر شده است برآورده نمی‌سازد. کتاب با جهت‌گیری از یک رویکرد کلاسیک (رفتارگرایی) تهیه و تنظیم شده است و رویکردهای نوین از نظر دور مانده‌اند. از الگوی آموزشی اقناع‌کننده‌ای برای ارائه روش‌ها و فنون تدریس استفاده نشده است. اطناب و ایجاز نابه‌جا در جاهای مختلف کتاب تناسب بین حجم اطلاعات اصلی و جنبی را برهم زده است. باوجوداین، کتاب حاضر می‌تواند با اعمال اصلاحات و به‌روزرسانی علمی در راستای نیازهای حرفه‌ای مخاطبان، به‌عنوان منبع ارزش‌مندی برای دانشجویان علوم تربیتی و دانش‌جو معلمان در دانشگاه‌ها، مورد استفاده قرار گیرد.

پیش‌نهادها

پیش‌نهادهای زیر می‌توانند در بهبود کتاب راه‌گشا باشند:

- از حاشیه‌نوشت‌های منظم جهت کمک به افزایش میزان یادگیری استفاده شود.
- از تصاویر مرتبط جهت عینیت‌بخشیدن به موضوع و هم‌چنین ایجاد تنوع در کتاب استفاده شود.
- جهت ایجاد جذابیت ظاهری و هم‌چنین نشان‌دادن موارد مهم، از رنگ بهره گرفته شود.
- فهرست نمایه به پایان کتاب افزوده شود.
- باتوجه‌به متفاوت بودن موضوعات هر فصل، منابع مربوط به هر مبحث به تفکیک در پایان کتاب ذکر شود. هم‌چنین، منابعی جهت مطالعه بیشتر درباره هر یک از موضوعات به خوانندگان معرفی شود.
- فهرست اصطلاحات اضافه شود.
- منابع قدیمی حذف و منابع جدید جای‌گزین شود.
- با طراحی تکالیف یادگیری و عملکردی برای هر یک از فصول موجبات پرورش مهارت‌های حل مسئله، تفکر انتقادی، تفکر خلاق، روحیه پژوهش و تحقیق، و غیره فراهم شود.
- نمونه‌ها و مثال‌های عملی از روش‌های تدریس در قالب‌های مختلف، از جمله سناریوهای آموزشی، تهیه و تنظیم شود.

- با کمک گرفتن از تکنولوژی و فناوری‌های نوین، منابع الکترونیکی آنلاین و لینک‌های موضوعی مرتبط جهت دسترسی مستقیم مخاطبان کتاب فراهم شود. هم‌چنین، در صورت امکان، راه‌های ارتباطی جهت ارائه خدمات مشاوره‌ای در خصوص روش‌های تدریس به صورت الکترونیکی و آنلاین نیز فراهم شود.
- پیش‌نهاد می‌شود، علاوه بر استفاده و تأکید صرف بر رویکردهای رفتارگرایان در ارائه مباحث کتاب - اعم از مباحث مربوط به مدیریت کلاس درس، شیوه‌های برقراری ارتباط با دانش‌آموزان، و هم‌چنین معرفی روش‌های تدریس - بر دیدگاه‌ها و رویکردهای جدید در حوزه یاددهی- یادگیری از قبیل رویکردهای مبتنی بر ساختن‌گرایی، تفکر (مغز) محوری، روش‌های مبتنی بر هم‌یاری، فراشناخت، و غیره نیز توجه شود.

پی‌نوشت

۱. ایده نوشتن این مقاله از آن‌جا نشئت می‌گیرد که در سال ۱۳۷۷، به‌عنوان دانشجوی رشته علوم تربیتی، برای اولین بار با این کتاب آشنا شدم و در سال‌های بعد بارها آن را مجدداً مطالعه کردم و مورد استفاده قرار دادم. در آن زمان احساسم بر این بود که کتابی کاربردی و قابل فهم در اختیار دارم و از آن لذت می‌بردم تا این‌که زمان گذشت و وقتی به‌عنوان مدرس در دانشگاه فرهنگیان مشغول به کار شدم، یکی از دروسی که تقاضای تدریس کردم درس «اصول و روش‌های تدریس» بود. با اطمینان از برتر بودن کتاب *مهارت‌های آموزشی و پرورشی (روش‌ها و فنون تدریس)*، هم به‌لحاظ ناشر و هم به‌لحاظ مؤلف سرشناس آن، به بازار مراجعه کردم و آخرین ویرایش و چاپ آن را جویا شدم. وقتی کتاب را خریداری کردم ظاهر کتاب به‌لحاظ تصویر روی جلد و حجم کتاب تغییر کرده بود. مشتاقانه آن را ورق زدم، اما در کمال ناباوری همان مطالبی را یافتم که در دهه هفتاد مطالعه کرده بودم و برخلاف حجم زیاد کتاب چیزی درباره نظریه‌های جدید، رویکردهای جدید تدریس، یا تغییر الگوی آموزشی کتاب براساس نیازهای کنونی دانشجویان نیافتم. به‌ناچار، در طول سال تحصیلی مواردی را جای‌گزین مطالب قدیمی کردم و با دانشجویان پیش رفتم، اما در پاسخ به چراهای خودم و سؤالات و اعتراضات مکرر دانش‌جو معلمان از محتوای کتاب تصمیم گرفتم این کتاب را مورد مطالعه و بررسی قرار دهم تا از این طریق بتوانم نقش شاگردی خودم را ایفا کنم.

کتاب‌نامه

- آرمند، محمد و حسن ملکی (۱۳۹۶)، *مقدمه‌ای بر شیوه طراحی و تألیف کتاب درسی دانشگاهی*، تهران: سمت.
- الوانی، مهدی (۱۳۷۹)، *تصمیم‌گیری و تعیین خط‌مشی دولتی*، تهران: سمت.
- رضی، احمد (۱۳۸۸)، «شاخص‌های ارزیابی و نقد کتاب‌های درسی دانشگاهی»، *سخن سمت*، ش ۲۱.
- شعبانی، حسن (۱۳۹۸)، *مهارت‌های آموزشی و پرورشی (روش‌ها و فنون تدریس)*، ج اول، تهران: سمت.
- لیپونکا، مری الن (۱۳۹۱)، *نحوه نگارش و تهیه کتاب درسی دانشگاهی*، ترجمه مریم جابر و دیگران، تهران: سمت.
- مایرز، چت (۱۳۷۴)، *آموزش تفکر انتقادی*، ترجمه خدایار ایلی، تهران: سمت.
- ملکی، حسن (۱۳۸۵)، «مبانی و معیارهای نقد کتاب درسی دانشگاهی»، *سخن سمت*، ش ۱۷.
- نجیبی، مهدی (۱۳۸۲)، «آیین چکیده‌نویسی»، *پژوهش‌نامه پردازش و مدیریت اطلاعات*، دوره ۱۹، ش ۱ و ۲.

- Anderson, L. W. (2004), *Increasing Teacher Effectiveness*, 2nd ed., Paris: UNESCO, International Institute for Educational Planning.
- Danielson, C. (2007), *Enhancing Professional Practice: A Framework for Teaching*, ASCD.
- Khutoroskoi, A. V. (2006), "The Place of Textbook in the Didactic System", *Russian Education and Society*, vol. 48, no. 3.
- UNESCO (2005), *A Comprehensive Strategy for Textbooks and Learning Materials*, Paris: UNESCO.